

بررسی تفسیری نظائر آیات در سوره‌های همجوار، به مثابه اولین گام در تفسیر قرآن با قرآن (مطالعه موردی سوره‌های الرحمن و واقعه)^۱

سمیرا دهقان*
احمد زارع زردینی**
یحیی میرحسینی***

چکیده

پژوهش حاضر به بازخوانی نظریه زوجیت سوره‌ها به مثابه زمینه پی‌جویی نظائر آیات قرآن کریم در جهت توسعه تفسیر قرآن به قرآن می‌پردازد. بنابراین، زوج سوره واقعه و الرحمن برای کاربردی‌سازی انتخاب گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این زوج سوره، معانی مشترک بسیاری وجود دارد و هر یک از این دو سوره، بخشی از فرآیند دلالت یا معناورزی را بر عهده دارند. این معانی محوری عبارتند از: «تبیین درجات بهشت و جهنم» و «قدرت خداوند در پرتو اشاره به طبیعت و فرهنگ»؛ از حیث ساختار بیان نیز «بیان اجمالی معانی در یکی از دو سوره و تفصیل آن در دیگری» و «بهره‌گیری از سبک‌های بیانی متفاوت در طرح موضوعات مشترک» در این دو سوره به دست آمد. از دیگر نتایج پژوهش می‌توان به شناسایی یکی از لایه‌های معنایی قرآن کریم اشاره نمود.

واژگان کلیدی

تفسیر قرآن با قرآن، سوره الرحمن، سوره واقعه، سوره‌های همجوار، لایه‌های معنایی، زوجیت سوره‌ها.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجوی محترم است.

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (نویسنده مسئول).

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲

dehghansamira84@yahoo.com

zarezdardini@meybod.ac.ir

mirhoseini@meybod.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۶

طرح مسئله

بحث از تناسب سوره‌های قرآن کریم از ارزش شایان توجهی برخوردار است که می‌توان از زوایای مختلف، به کاربردها و ارزش‌هایش اندیشید. نخست آنکه اگر فرض گرفته شود جمع سوره‌ها ضمن مصحف در زمان پیامبر ﷺ انجام پذیرفته و یا کمینه برخی یا بسیاری از سوره به دستور ختمی مرتبت، سلسله‌وار در پی همدیگر آمده‌اند، تناسب سوره‌های تاریخی خواهد داشت. توضیح آنکه همواره یکی از مباحث مهم تاریخ قرآن، چگونگی جمع و تدوین قرآن کریم بوده است؛ اینکه آیا قرآن کریم در زمان پیامبر ﷺ گرد آمده است و یا فرآیندی دویست ساله را طی کرده تا به شکل کنونی درآید (شبهه مطرح‌شده از سوی مستشرقان)، و آیا قرآن، مدون هوشمندی داشته است؟ آیا چنین موجود از اصول و ساختاری تبعیت می‌کند؟

افزون بر مباحث تاریخی، پرداختن به تناسب سوره‌های قرآن می‌تواند روشنایی‌بخش زبان متن قرآن نیز باشد؛ یعنی اینکه ساختار بیانی قرآن کریم چگونه است؟ آیا ساختاری پاشانی و غیر پیوسته و گسسته دارد، یا از زبانی منسجم و پیوسته تبعیت می‌کند؟ به عبارت دیگر چنانچه ترتیب سوره‌ها کاملاً در اثر اجتهاد صحابه سامان یافته باشد، باز هم تناسب سوره اهمیت خود را از دست نمی‌دهد و پژوهش‌هایی در این حوزه، وضعیت موجود ترتیب سوره‌ها را بهتر روشن می‌کند و جنبه‌های تفسیری و معنایی که ممکن است در پس ذهن صحابیان بوده باشد را بررسی و واکاوی می‌نماید.

از دیگر فواید و کاربردهای این مهم، باید به ارزش کلامی آن اشاره نمود. با این توضیح که از مباحث مشترک در دانش کلام و قرآن‌شناسی، موضوع اعجاز قرآن کریم و شبهه تحریف قرآن است که از مسائل مطرح در هر دو، ارتباط آیات و سوره است؛ نیک می‌دانیم برخی فهم‌های نادرست در ارتباط با متن قرآن به شبهه تحریف انجامیده است. هر گونه پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها می‌تواند شبهات مستشرقان درباره ساختار قرآن و همچنین مباحث تحریف قرآن را به چالش بکشد و از سوی دیگر می‌تواند باب جدیدی در مطالعه اعجاز بیانی قرآن بگشاید.

از دیگر کاربردهای مباحث تناسب سوره - که شاید بتوان آن را مهم قلمداد نمود - ارزش تفسیری آن است؛ حتی اگر دو سوره همجوار، غرض اصلی مشترکی نداشته و شأن نزول متفاوت و از نظر زمانی از همدیگر دور باشند. این کاربست به این می‌پردازد که ساختارشناسی مبتنی بر تناسب سوره، چگونه می‌تواند در فهم و تفسیر قرآن کریم اثرگذار باشد. برای نقش این دانش در فهم قرآن باید گفت از آنجا که فهم متن، لازمه‌اش آشنایی با ساختار بیانی و زبانی متن است، این پژوهش‌ها می‌توانند در ترسیم بهتر زبان متن قرآن نقش‌آفرین بوده و راه تازه‌ای در فهم قرآن بگشایند. به نظر

می‌رسد پیوند زدن این دو حیطة قرآن‌شناسی - تفسیر و تناسب سور - می‌تواند سبب شکوفایی هر دو علم شود. آنچه این دو دانش را به هم وصل کرده و هر دو را به گونه‌ای متحول می‌نماید، روش تفسیر قرآن با قرآن است؛ همان که یکی از اصیل‌ترین و متقن‌ترین روش‌های تفسیری است و از صدر اسلام بر صحت آن مهر تأیید زده شده است. حجیت این روش تفسیری که بر پایه ارجاع آیات بنا نهاده شده، در آیه هفت سوره آل عمران و سیره قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام به وضوح نمایان است.

در همین رابطه گفتنی است علامه طباطبایی تفسیر قرآن به قرآن را از رهگذر یافتن نظائر یک آیه می‌داند و در مقدمه *تفسیر المیزان* (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱ / ۱) می‌نویسد: «نفس القرآن بالقرآن و نستوضح معنی الآیة من نظیرتها بالتدبر المندوب إلیه فی نفس القرآن». در همین راستا برخی از پژوهشگران قرآنی با استناد به عملکرد مفسران معتقد به تفسیر قرآن به قرآن، ملاک‌هایی برای دست یافتن به آیات نظیر به‌دست داده‌اند (برای نمونه ر. ک: مصالایی‌پور، ۱۳۸۹: سراسر مقاله؛ قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴: میرحسینی و داوری، ۱۳۹۸: ۲۳۹ - ۲۲۸). ملاک‌هایی که در چنین آثاری ارائه می‌شود، از این قبیل است:

الف) جستن نظائر لفظی و انواع آن همچون وجود عبارتهای مشابه، اشتراک دو آیه در حداقل چهار، سه و حداقل دو لفظ مشترک، اشتراک دو آیه در یک لفظ مشترک به شرط یکسان بودن مصداق، اشتراک دو آیه در یک لفظ مشترک حتی بدون همسانی در مصداق، اشتراک دو آیه در یک ماده مشترک؛
ب) وجود نظائر معنوی؛ بدین معنا که گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم، نظیر یکدیگرند در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی‌شود، مانند: یکسان بودن مصداق، یکسان نبودن مصداق، نظیر در ترکیب آیات. مشابهت مفهومی، موضوع مشترک غرض مشترک و سیاق سوره‌ای نیز بسط داده شده‌اند (همان).

پژوهش‌های پیشین در باب روش‌شناسی تفسیر قرآن به قرآن تا به اینجا مباحث را پیش برده‌اند؛ یعنی ملاک‌هایی برای شناسایی نظائر آیات ارائه نموده‌اند. نوشتار حاضر در ادامه پژوهش‌های پیشین می‌کوشد گام دیگری را بدین منظور بردارد و توجه تفسیرپژوهان را به این نکته جلب کند که در تفسیر قرآن به قرآن، نخستین، مهم‌ترین و حتی اثربخش‌ترین دستاویزی که می‌تواند تدبرکننده را به نظائر رهنمون کند، سوره‌های همجوار است. حتی می‌توان مدعی شد چنانچه تمام ملاک‌های پیش‌گفته در نظیریابی آیات، با مطالعه سوره‌های همجوار پی گرفته شود، نتایجی بس ارزشمند در تفسیر قرآن به قرآن به‌دست خواهد آمد. این فرضیه در این پژوهش به بحث گذارده شده تا دستاوردهای روش‌شناسی در این حوزه را توسعه بخشد. برای نمونه نیز پی‌جویی آیات نظیر در دو

سوره واقعه و الرحمن با همین مدل دنبال شده است تا کارآمدی این فرضیه محک بخورد. از آنجا که هر سوره قرآن کریم با سوره قبل و بعدی خود رابطه همجواری دارد، برای تعیین اولویت بین دو سوره، پژوهش حاضر بر پایه رویکرد برخی از قرآن‌پژوهان معاصر در موضوع «نظام زوجی سوره‌های قرآن» (آقایی، ۱۳۸۸: ۷۹ - ۷۱؛ کیان‌نژاد، ۱۳۸۲: ۸۲) انتخاب زوج آن سوره را پیشنهاد می‌نماید.

درباره پیشینه این پژوهش باید گفت: در مطالعات سنتی، ارتباط بین سوره‌های قرآن تحت عنوان «تناسب» بحث شده است. از پیشگامان این بحث باید به عبدالله بن محمد بن زیاد (۳۲۴ ق) عالم شافعی برآمده از بوم نیشابور و سکنی‌گزیده در بغداد اشاره کرد و در شیعه امامیه، طبرسی (۵۴۸ ق) در تفسیر خود در مواضعی، به این نکته اشاره کرده است (برای نمونه ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۴۵۰؛ ۱۰ / ۸۰۱ و ۸۰۶). در ادامه این روند، شاهد تألیف‌های مستقل هستیم (برای نمونه، ابن‌زبیر غرناطی در *البرهان فی مناسبه ترتیب سور القرآن* و سیوطی در *اسرار ترتیب القرآن*). اما در دوره معاصر، بحث از تناسب زنجیره‌ای - آن‌هم با تمرکز بر ارتباط حداقلی فواتح و خواتیم سور - فراتر رفته و ارتباط مضمونی پی‌جویی شده است (ر.ک: قرائی، ۱۳۹۴: ۶۰ - ۴۱).

درباره پیشینه موضوع نظام زوجی سوره‌ها نیز باید به فعالیت عبدالحمید فراهی و امین احمد اصلاحی اشاره کرد که دیدگاه خود را با عنوان نظم قرآن در شاخه‌های «تک سوره، زوج سوره و خوشه سوره» مطرح کرده‌اند. این نظریه نخستین بار توسط فراهی مطرح و به وسیله شاگردش اصلاحی در تفسیری که به نام *تدبر القرآن* نشر یافت، تبیین شد. دیدگاه فراهی - اصلاحی در میان پژوهشگران پاکستانی مورد استقبال قرار گرفت و این دیدگاه در سه اثر، دنبال شد: *شیخ الاسلام اصلاحی و منهجه فی تفسیر تدبر القرآن* نوشته احمد افتخار؛ *انسجام در قرآن و انسجام و پیوستگی در قرآن؛ مطالعه مفهوم نظم در تدبر در قرآن اثر اصلاحی* از مستنصر میر.

این دیدگاه در ایران نیز مورد استقبال قرار گرفت که می‌توان به آثار: تقی کیان‌نژاد، ابوالفضل حری، سیدعلی آقایی، احمد زارع زردینی و جنت تفتحی اشاره داشت (برای اسامی آثار و اطلاعات کتابشناختی، ر.ک: فهرست منابع و مآخذ). چنان‌که بیان شد نظریه اصلاحی در ایران کم‌وبیش مورد توجه قرار گرفته است؛ پژوهش حاضر بر آن است تا از ظرفیت بسیار خوب این نظریه در مطالعات تفسیری پرده بردارد.

آزمون فرضیه پژوهش در سوره‌های الرحمن و واقعه

سوره‌های الرحمن و واقعه زوج سوره محسوب می‌شوند که در این قسمت با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن و با هدف یافتن نظائر آیات بررسی می‌شوند.

۱. دورنمایی از سوره الرحمن و واقعه

سوره الرحمن نود و هفتمین سوره نازل بر پیامبر اکرم ﷺ و در ترتیب موجود، پنجاه و پنجمین سوره قرآن کریم است (معرفت، ۱۳۹۴: ۸). این سوره در مقام بیان این نکته است که خدای متعال، جهان و اجزای آن از قبیل زمین، آسمان، خشکی، دریاها، انس و جن را طوری آفریده و نیز اجزای هر یک را طوری نظم داده که جن و انس بتوانند در زندگی خود از آن بهره‌مند شوند و قهرا عالم به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ یکی دنیا که به‌زودی خودش با اهلش فانی می‌شود و دیگری آخرت که همیشه باقی است و در آن سعادت از شقاوت و نعمت از نعمت متمایز می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۵۵).

سوره واقعه چهل و ششمین سوره نازل بر پیامبر اکرم ﷺ و در ترتیب موجود پنجاه و ششمین سوره قرآن کریم است (معرفت، ۱۳۹۴: ۷). این سوره، قیامت کبری را که در آن مردم دوباره زنده می‌شوند و به حسابشان رسیدگی شده و جزا داده می‌شوند، شرح می‌دهد. نخست مقداری از حوادث هول‌انگیز آن را ذکر می‌کند؛ حوادث نزدیک‌تر به زندگی دنیایی انسان و نزدیک‌تر به زمینی که در آن زندگی می‌کند. از این رو می‌فرماید: اوضاع و احوال زمین دگرگون می‌شود و زمین بالا و پایین و زیر و رو می‌گردد، زلزله بسیار سهمگین زمین و کوه‌ها را متلاشی و چون غبار می‌سازد. آنگاه مردم را به‌طور فهرست‌وار به سه دسته سابقین، اصحاب یمین و اصحاب شمال تقسیم نموده، سرانجام کار هر یک را بیان می‌کند. در ادامه، علیه اصحاب شمال که منکر ربوبیت خدای تعالی و مسئله معاد و تکذیب‌کننده قرآن هستند، استدلال نموده است. در پایان، گفتار را با یادآوری حالت احتضار و فرا رسیدن مرگ و سه دسته شدن مردم خاتمه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۹۵).

۲. سوره الرحمن و واقعه به‌مثابه یک واحد معنا

در گذشته ارتباطات سور بیشتر به‌صورت ابتدا و انتهای سوره‌ها بیان می‌شدند که در ادامه برخی از مفسران افزون بر این دیدگاه، مضامین سوره‌ها را نیز مورد بررسی قرار داده و از ارتباط آیات آنها نیز سخن گفته‌اند، از جمله سیوطی که در کتاب *تناسق الدرر* هر سوره را به تفکیک ذکر کرده و در ابتدا ارتباط سوره را با سوره قبل و در ادامه ارتباط محتوای سوره را با سوره قبل و بعد ذکر کرده است؛ همچنین اصلاحی که در تفسیر خویش چنین رویکردی را در بیان تفاسیر آیات مدنظر داشته است. از جمله سوره‌هایی که در این ارتباطات مورد بررسی قرار گرفته‌اند، زوج سوره الرحمن و واقعه هستند، اما هیچ کدام از مفسران به بررسی تک‌تک آیات و بیان ارتباط تمام آیات آنها نپرداخته‌اند که در این نوشتار سعی شده به‌صورت موردی تک‌تک ارتباطات این دو سوره از دریچه یافتن نظائر آیات

بازشناسی شوند. از جمله این ارتباطات می‌توان به ذکر اشتراک در مفاهیم به‌ویژه درجات بهشت و جهنم، قدرت خداوند در پرتو مدل طبیعت و فرهنگ، بیان اجمالی معانی در یکی از دو سوره و تفصیل آن در دیگری و بهره‌گیری از سبک‌های بیانی متفاوت در طرح موضوعات مشترک، اشاره کرد که در ادامه به تفصیل بیان خواهند شد.

یک) پرداخت معنای مشترک دو بهشت و یک جهنم در دو سوره

یکی از ویژگی‌های این زوج سوره در کل قرآن کریم آن است که این دو سوره در جهت پردازش یک مفهوم و معنا شکل گرفته‌اند و آن مضمون و یا معنایی که دو سوره به طرح و بحث و... آن پرداخته‌اند، تبیین دو بهشت و یک جهنم است که در هیچ‌یک از سوره‌های قرآن به وضوح و آشکاری این سوره، چنین معناپردازی نشده است؛ به عبارت دیگر، در هر دو سوره کوشش شده است تا به توصیف دو بهشت، یکی برای مقربان و دیگری برای اصحاب یمین پردازند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۰۹ - ۱۰۸) و از طرف دیگر هر دو به توصیف جهنم نیز پرداخته‌اند.

الف) بهشت مقربان و خائفان مقام پروردگار در دو سوره

یکی از موضوعات مشترک این دو سوره، توصیف بهشت مقربان و خائفان است. از آنجا که در گروه‌بندی سه‌گانه سوره واقع یعنی «سابقون / اصحاب یمین / اصحاب شمال»، سابقون در مرتبه و منزلت از اصحاب یمین بالاتر و والاتر هستند و از سوی دیگر در سوره الرحمن، دو بهشت به خائفان اختصاص داده شده - و نه تک بهشتی که در آیات دیگر از آن بحث شده است - می‌توان گفت این دو سوره در مقام توصیف مرتبه‌های بهشت و بهشتیان است. بهشت سابقون در سوره واقع با تعبیر «فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (واقع / ۱۲) آمده و در سوره الرحمن تعبیر «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (الرحمن / ۴۶) اشاره رفته است که خداوند درصدد توصیف بهشتی با امکانات و نعمت‌های دیگری است. در ادامه به توصیف این بهشت در دو سوره پرداخته می‌شود.

واژه «جَنَات» در دو سوره نیز شایان توجه است؛ در سوره واقع به پرنعمت بودن آن اشاره رفته: «فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (واقع / ۱۲) و در سوره الرحمن از تعبیر «ذَوَاتَا أَفْنَانٍ» (الرحمن / ۴۸) برای توصیف اشاره شده که بر پایه قول مشهور به معنای باغ‌های مشتمل بر درختان و میوه‌های بسیار (میبدی، ۱۳۷۱: ۹ / ۴۲۶) و یا درختزاری با شاخه‌های فراوان است (مقاتل، ۱۴۲۳: ۴ / ۲۰۲).

از دیگر مشترکات این دو سوره در توصیف بهشت، اشاره به حالت ساکنان آن است؛ در سوره واقع به صورت «عَلِي سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ * مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ» (واقع / ۱۵ و ۱۶). و در سوره الرحمن با تعبیر «مُتَّكِنِينَ عَلَي فُرُشٍ بَطَّانِهَا مِنْ أَسْتَبْرَقٍ وَ جَنِي الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ» (الرحمن / ۵۴) آمده است.

هر دو سوره در باب میوه‌ها و خوردنی‌ها در این بهشت نیز سخن گفته است؛ در سوره واقعه «وَ فَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ * وَ لَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (۲۰ و ۲۱) آمده است و در سوره الرحمن تعبیر «فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ» (۵۲) آمده است.

در هر دو سوره آشامیدنی‌های این بهشت نیز گزارش شده است؛ سوره واقعه «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وُلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ * يَأْكُوبِ وَ أَبَارِيقَ وَ كَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ * لَّا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يَزْفُونَ» (۱۹ - ۱۷). و در سوره الرحمن «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» (۵۰). آمده است؛ یعنی نهرها در این سوره و اکواب و اباریق و کأس‌هایی که از این نهرها پر می‌شوند در سوره واقعه باز آمده است.

نعمت «حورالعین» در این بهشت نیز در هر دو سوره مورد پردازش قرار گرفته است؛ در سوره واقعه: «وَ حُورٌ عِينٌ؛ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (۲۳ / ۲۲) آمده است و در سوره الرحمن: «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌ» (۵۶)؛ «كَأَنَّهِنَّ أَلْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» (۵۸) به کار رفته است. در جمع‌بندی مطالب بالا می‌توان گفت: زوج سوره مورد نظر در بیان بهشت، درجات، ساکنان، خوراکی‌ها و نعمت‌های آن مکمل همدیگر هستند که در هیچ سوره‌ای به وضوح این‌گونه مطالب مجزا و مرتب ذکر نشده‌اند.

ب) بهشت اصحاب یمین

یکی دیگر از معانی مشترک که در این دو سوره پردازش شده، بهشتی است که درجه‌ای پایین‌تر از بهشت مقربان دارد. درباره ساکنان این بهشت در سوره واقعه: «وَ أَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ» (۲۳) آمده است و در سوره الرحمن: «وَ مِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٌ» (۶۲) به کار رفته است.

ویژگی جناتی که در این دو سوره در اشاره به این بهشت استعمال شده، به این صورت است که در سوره واقعه: «فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ» (۳۰ - ۲۸) به کار رفته است و در سوره الرحمن در اشاره به وصف این باغ‌ها تعبیر «مدهامتان» (۶۴) استفاده شده است.

از دیگر زمینه‌های مشترک در هر دو سوره در بیان بهشت اصحاب یمین حالت ساکنان آن است. در سوره واقعه تعبیر «وَ فُرُشٌ مَّرْفُوعَةٌ» (۳۴)؛ یعنی بر فرش‌هایی که خستگی ایجاد نمی‌کنند اما در سوره الرحمن: «مُتَكَبِّرِينَ عَلَي رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِي حَسَانِ» (۷۶) آمده است.

خوردنی‌ها (فاکِهَة) در این بهشت نیز در هر دو سوره پردازش معنایی شده است؛ در سوره واقعه: «وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ» (۳۳ - ۳۲) آمده است و در سوره الرحمن: «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَّانٌ» (۶۸) به کار رفته است.

آشامیدنی‌ها در این بهشت نیز توصیف شده است؛ در سوره واقعه: «وَمَا مَسْكُوبٍ» (۳۱) آمده است و در سوره الرحمن: «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَصَاحَتَانِ» (۶۶) آمده است.

حورالعین در این بهشت نیز در هر دو سوره بیان شده است؛ در سوره واقعه: «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا * غُرُبًا أَتْرَابًا» (۳۷ - ۳۵) در سوره الرحمن: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ» (۷۰)، «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (۷۲)، «لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ» (۷۴) در اشاره به حوریان این بهشت استعمال شده است.

همان‌طور که بیان شد یکی دیگر از نعمت‌های نیکوکاران، بهشتی است که مخصوص اصحاب یمین است و درجه‌ای پایین‌تر از بهشت مقربان دارد که خداوند در زوج سوره الرحمن و واقعه به تفکیک تمام نعمت‌های این بهشت را بیان نموده است.

ج) جهنم و اصحاب آن

از موضوعات مشترک دیگری که در این دو سوره توصیف شده جهنم است. ساکنان جهنم در سوره واقعه اصحاب الشمال نامیده شده‌اند: «وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ» (۴۱) آمده و در سوره الرحمن، آنان را مجرمانی نامیده که از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ سَيِّمَاهُمْ فَيُوْخَذُ بِالْأَوْصِي وَالْأَقْدَامِ» (۴۱).

در اشاره به ویژگی‌های ساکنان این جهنم در سوره واقعه تعبیر «إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ * وَ كَانُوا يَصْرُونَ عَلَي الْحِنثِ الْعَظِيمِ» (۴۵ و ۴۶) به کار رفته است و در سوره الرحمن «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ» (۴۳) آمده است.

آشامیدنی‌های در جهنم نیز در هر دو سوره پردازش معنایی شده است؛ در سوره واقعه: «فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شَرِبَ الْهَيْمِ» (۵۴ و ۵۵)، «فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ * وَ ظِلٌّ مِّنْ حَمُومٍ * لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ» (۴۴ - ۴۲) در سوره الرحمن: «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ ءَأَن» (۴۴) به عذاب جهنم اشاره نموده است. بنابر آنچه بیان شد، افزون بر دو بهشت مقربان و اصحاب یمین، از جهنم و ویژگی‌ها و عذاب‌های ساکنان آن نیز در زوج سوره مورد نظر سخن به میان آمده است.

دو معنای واحد با دو پرداخت متفاوت

در برخی آیات شاهد هستیم که خدای متعال یک معنای واحد را از دو زاویه در زوج سوره مورد نظر بیان نموده است، همچون:

یکم. پرداخت معنای توجه به قدرت خداوند و تکذیب نکردن در مرتبه طبیعت و فرهنگ

هردر^۱ نخستین متفکری است که راه اندیشیدن مستقیم به فرهنگ را در تاریخ تفکر گشوده است. وی که به مبانی الهیاتی مسیحی نیز استناد می‌کند، در بیان نسبت فرهنگ و طبیعت می‌گوید که طبیعت آفریده اول و فرهنگ آفریده دوم است. طبیعت را خداوند آفریده است، اما فرهنگ را انسان می‌آفریند. به نظر هر در فرهنگ صنع ثانی است. (<https://www.cgie.org.ir/fa/news83224>)

در گذر از این بحث به موضوع اصلی پژوهش باید گفت، یکی از معانی که در این زوج سوره از دو زاویه پردازش شده، بحث توجه به قدرت خدا در مرتبه طبیعت و فرهنگ است که از انسان‌ها می‌خواهد آن را تکذیب نکنند؛ هریک از این دو سوره، بخشی از عملیات معنورزی را به دوش کشیده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین مصادیق این بحث، اشاره می‌شود:

الف) اشاره به دو مرحله پیدایش انسان

خداوند در سوره الرحمن به خلقت اولیه بشر از خاک به دست خود اشاره کرده و می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (الرحمن / ۳)؛ «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن / ۱۴)؛ انسان را از گل خشکیده‌ای سفال‌مانند، آفرید.»

در سوره واقعه به مرتبه بعدی؛ یعنی خلقت از نطفه اشاره رفته است: «نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ * أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ * ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» (واقعه / ۵۹ - ۵۷)؛ ماییم که شما را آفریده‌ایم، پس چرا تصدیق نمی‌کنید؟ آیا آنچه را [که به صورت نطفه] فرو می‌ریزید دیده‌اید؟ آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟»

بنابراین در نگاه مجموعی به این موضوع باید گفت، در سوره الرحمن به خلقت ازلی انسان؛ یعنی خلقت نوع انسان آن هم از خاک؛ یعنی آفرینشی که انسان‌ها هیچ نقشی در آن نداشته‌اند، سخن به میان آمده و در ادامه در سوره واقعه، از خلقتی از بشر سخن می‌گوید که انسان‌ها نیز در آن نقش دارند؛ خلقت از منی؛ به دیگر سخن، در سوره واقعه بر این نکته پای فشرده می‌شود که گرچه در پیدایی انسان، نطفه‌ریزی اهمیت دارد، اما باز قدرت اصلی، از آن خداست.

ب) اشاره به دو نوع آب

از نکات شایان توجه، اشاره به آب در سوره الرحمن و واقعه است. در سوره الرحمن، آبی که از آن یاد می‌شود، آب دریاست؛ چه از نوع شور و چه از نوع شیرین آن که ارزش تجاری، اقتصادی و تغذیه‌ای و

1. J. Johann Gottfried von Herder.

آشامیدنی دارد؛ دریاهایی که انسان‌ها در خلقت آن هیچ نقشی نداشته‌اند: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ * فَيَأْيِ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ» (الرحمن / ۲۲ - ۱۹) اما در سوره واقعه، نعمت آب با توجه به قرائن موجود، آب آشامیدنی است و آن هم آبی که از کندن چاه یا حفر قنات یا ایجاد سیل‌بند و آب‌انبار ایجاد می‌شود. بنابراین تأکید می‌شود اگرچه در فراوری و تهیه این آب، انسان نیز شریک است، اما بدون عنایت خداوند، هیچ کاری انجام نمی‌شد؛ زیرا اگر باران که با اراده الهی نازل می‌شود، نباشد، قنات و چاه و آب‌انبار و سد و... آبی نمی‌داشتند: «أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ» (واقعه / ۷۰ - ۶۸).

ج) دو نوع اشاره به دانه و میوه

در سوره الرحمن دانه‌ها (حب) همان‌هایی هستند که خداوند در قالب جنگل میوه‌ها و دانه‌ها در اختیار انسان قرار داده است و انسان کوچکترین کوششی در جهت کاشت و داشت آنها نداشته و صرفاً برداشت‌کننده بوده است. «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ * فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ * وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ» (۱۲ - ۱۰). همچنین آیه: «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» (۶). اما در سوره واقعه از دو عمل زراعت (کاشت، داشت و برداشت حبوبات و همچنین تفکه (کاشت و داشت و برداشت محصولات باغی (حراثت) که در آنها عامل انسانی نیز شریک است، سخن به میان می‌آید. در این مرحله نیز نشان می‌دهد اگر خداوند بخواهد همه اینها را حطام (گیاه خشک و خار و خاشاک) قرار می‌دهد: «أَفَرَأَيْتُمَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ * لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ» (واقعه / ۶۵ - ۶۳).

د) دو نوع اشاره به آتش

در هر دو سوره، از آتش سخن به میان آمده است؛ یکی آتشی است که خداوند در ازل برافروخته است و اجنه از آن خلق شده‌اند و انسان‌ها هیچ نقشی در خلقت و ایجاد آن نداشته‌اند: «وَوَخَّلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ» (الرحمن / ۱۵) اما در سوره واقعه از آتشی سخن می‌گوید که انسان‌ها آن را برافروخته‌اند و در ایجاد آن نقش دارند که اگر خداوند نخواهد همین آتش را نیز نمی‌تواند داشته باشند و بیان می‌کند که شما انسان‌ها درخت این آتش را ایجاد نکرده‌اید: «أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ * أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ» (واقعه / ۷۲ - ۷۱).

در نتیجه باید گفت، در سوره الرحمن از واژه «آلاء» در برشمردن نعمت‌ها اشاره شده است؛ مراد از آلاء نعمت‌هایی است که خدای متعال مجانی در اختیار انسان‌ها قرار داده است و انسان‌ها هیچ نقشی در فراوری آن ندارند و صرفاً مصرف‌کننده هستند، مانند جنگل‌هایی پر از درخت میوه و دریاها؛

شاید رمز ترجیع‌بند «فَيَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» که ۳۱ بار تکرار شده است، در همین امر باشد، اما در سوره واقعه به نعمت‌هایی اشاره می‌رود که اگرچه انسان در فرآوری آنها نقش کوچکی دارد، اما باز نقش اصلی و قدرت اصلی خداست که آن را مثمر ثمر می‌کند؛ اموری چون تولد انسان‌ها از منی، روشن کردن آتش، زراعت و کاشت گیاهان و به‌دست آوردن آب آشامیدنی از چاه و قنات.

دوم. نشانه‌های برپایی قیامت

یکی از نشانه‌ها یا علائم قیامت، به هم ریختن احوالات زمین و آسمان است که در سوره‌های مختلف به آنها اشاره شده است. به‌نظر می‌رسد این دو سوره از این جهت نیز با یکدیگر هماهنگ بوده و هر یک، بخشی از فرایند معاورزی را بر عهده دارند؛ به عبارت دیگر، بیان این مطلب بین این دو سوره تقسیم شده است؛ به این صورت که در سوره الرحمن تأکید بر شکاف و به هم خوردن آسمان‌ها در آستانه قیامت است: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ» (الرحمن / ۳۷) و در سوره واقعه به بیان لرزش زمین به‌عنوان یکی از علائم قیامت اشاره می‌فرماید: «إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا» (واقعه / ۴) چون زمین با تکان سختی لرزانده شود.

سوم. نسبت قرآن با خداوند و انسان‌ها

یکی از موضوعاتی که در این دو سوره مورد معناپردازی قرار گرفته است، موضوع قرآن کریم است. که هر یک از دو سوره متکفل معناپردازی بخشی از آن شده است. در سوره الرحمن خداوند خود را معلم قرآن در مرتبه خلقت ازلی انسان می‌داند و به ترسیم نوع رابطه قرآن با خداوند اشاره می‌کند: «الرَّحْمَانُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (الرحمن / ۳ - ۱) و در سوره واقعه به جایگاه رفیع قرآن کریم و سپس تنزیل آن اشاره می‌کند: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا يَسُئُ إِلَّا الْأَمْطَهُرُونَ * تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ» (واقعه: ۸۰ - ۷۷).

دو آیه مورد نظر رابطه قرآن کریم با انسان‌ها را بیان می‌کنند، خداوند در سوره الرحمن نعمت‌های خویش را شمارش کرده و ابتدا از قرآن که عظیم‌ترین نعمت برای عموم انسان‌ها است و سعادت آنها را به دنبال دارد، یاد کرده و در سوره واقعه علم به معارف آن را مراد گرفته که جز پاکان خلق کسی به معارف آن عالم نمی‌شود (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۲۳۸ و ۱۵۶).

سه) پرداخت مختصر و مفصل یک معنا در دو سوره

گاه شاهد هستیم که یک واحد معنایی در سوره الرحمن به‌صورت مختصر و در سوره واقعه با تفصیل بیشتر بیان شده است.

الف) یادکرد اصل موازنه در سوره الرحمن و اشاره به نتیجه آن در سوره واقعه

اصل بحث موازنه، سنجش و اینکه همه چیز را میزانی است، در سوره الرحمن مطرح شده است: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ (الرحمن / ۹ - ۷) و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت، تا مبادا از اندازه درگذرید و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید».

در ابتدای سوره واقعه، به وزن کشی اعمال اشاره رفته است: «وَالْوِزْنَ يُومِّدُ الْحَقَّ» (اعراف / ۸) و در آن روز، سنجش [اعمال] درست است. در پی این وزن کشی اعمال، انسان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً * فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * وَالسَّائِقُونَ السَّائِقُونَ (واقعه / ۱۰ - ۷)؛ و شما سه دسته شوید: یاران دست راست، کدامند یاران دست راست؟ و یاران چپ، کدامند یاران چپ؟ و سبقت‌گیرندگان مقدم‌اند».

ب) اصل موضوع مرگ در سوره الرحمن و چگونگی و حالات آن در سوره واقعه

در سوره الرحمن به فنای جهان و بقای ذات خداوند اشاره می‌کند: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن / ۲۷ - ۲۶)؛ هر چه بر [زمین] است فانی‌شونده است و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند».

در سوره واقعه نیز به تقدیر موت در بین انسان‌ها به‌عنوان یکی از موجوداتی که فنا می‌شوند، اشاره شده است: «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ * عَلَيَّ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَ نُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (واقعه / ۶۱ - ۶۰)؛ ماییم که میان شما مرگ را مقدر کرده‌ایم و بر ما سبقت نتوانید جست و [می‌توانیم] امثال شما را به جای شما قرار دهیم و شما را [به صورت] آنچه نمی‌دانید پدیدار گردانیم».

همچنین در اواخر سوره به لحظه مرگ انسان‌ها اشاره می‌کند: «فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ * وَأَنْتُمْ حِينَتٍ تَنْظُرُونَ * وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَا كَيْنَ لَا تَبْصِرُونَ (واقعه / ۸۵ - ۸۳)؛ پس چرا آنگاه که [جان شما] به گلو می‌رسد و در آن هنگام خود نظاره‌گرید و ما به آن [محتضر] از شما نزدیک‌تریم ولی نمی‌بینید».

در توضیح آیات مورد نظر می‌توان گفت: خداوند به‌صورت مکملی اصل فنا و نابودی را به‌صورت یک قاعده و قانون در سوره الرحمن بیان نموده و در ادامه در سوره همجوار جهت اثبات این قانون به موضوع تقدیر مرگ در بین انسان‌ها به‌عنوان یکی از روش‌های فنا و همچنین، به لحظه مرگ انسان‌ها اشاره کرده و قانون فنا را جهت حاصل شدن یقین برای همگان به‌صورت عینی بیان نموده است.

ج) بیان وضعیت و حال گناهکاران

در سوره الرحمن، خداوند از مجرمانی یاد می‌کند که بر پایه چهره، شناخته می‌شوند و در ادامه عقوبت آنها را بیان می‌کند؛ با این وصف که از موهای پیشانی و پاها گرفته شده و در جهنم انداخته می‌شوند: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ» (الرحمن / ۴۱) و در سوره واقعه با بیانی دیگر و البته، با تفصیلی بیشتر، عقوبت گردنکشان و گناهکاران را بیان کرده و از دو اصطلاح «اصحاب الشمال» و «المكذبين الضالين» برای بیان حال مجرمان بهره برده است و می‌فرماید: «وَاصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ * فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ * وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ * لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ * إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ * وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ * وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَبْعُوثُونَ * أَوَآبَاؤُنَا الْأُولُونَ * قُلْ إِنَّ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ * ثُمَّ إِنَّكُمْ إِلَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ * لَأَكَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زَقُّومٍ * فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ * فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ * فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَلِيمِ * هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ» (واقعه / ۵۶ - ۴۱).

همچنین در توصیف دروغگویان گمراه آمده است: «وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ * فَنَزَّلْنَا مِنْ حَمِيمٍ * وَتَصْلِيَةً جَحِيمٍ». (واقعه / ۹۴ - ۹۲) چنانچه مشاهده شد خداوند در این سوره با بیانی تفصیلی در ۱۵ آیه، احوال مجرمان را با عنوان «اصحاب شمال» و در سه آیه با عنوان «المُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ» بیان نموده است، مجرمانی که در سوره الرحمن با بیانی خیلی مجمل معرفی شده بودند.

د) اصل جزای عمل در سوره الرحمن و توضیح آن در سوره واقعه

بحث جزا و سزای اعمال نیز در هر دو سوره آمده است. در سوره الرحمن، به صورت استفهام انکاری اصل جزای عمل بیان شده است: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؛ (الرحمن / ۶۰) مگر پاداش احسان، چیزی جز احسان است؟».

در سوره واقعه پس از توصیف احوال مقربان در جواب استفهام قبل، به جزا و سزای اعمال با تعبیر «جَزَاءٌ يَمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (واقعه / ۲۴)؛ [اینها] پاداشی است برای آنچه می‌کردند» اشاره شده است.

ه) تکذیب نعمتها در سوره الرحمن و عاقبت آن در سوره واقعه

در سوره الرحمن تکذیب آلاء پروردگار در سیاق استفهام انکاری، ۳۱ مرتبه آمده است: «فَيَا أَيُّهَا رَبُّكُمَا تُكْذِبَانِ»؛ پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را منکرید؟»

خطاب در آیه متوجه تمام جنیان و انسان‌هاست؛ چراکه در نظام هستی سوق دادن بدکاران به سرنوشتی که مقتضای عمل ایشان و اثر کردار خود آنان باشد، از لوازم صلاح و نظام عام جاری در

کل و حاکم بر جمیع است و خود نعمتی نسبت به کل عالم جن و انس است، پس آنچه از عذاب و عقاب که در آتش برای اهل آتش است و آنچه از کرامت و ثواب که در بهشت برای اهلش آماده شده، هر دو نوع از آلاء و نعمت‌های خداوند برای کل جن و انس است، همان‌طور که خورشید و قمر و آسمان بلند و زمین پست و نجم و شجر و غیر اینها آلاء و نعمتهایی است برای اهل دنیا. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۶۵)

در سوره واقعه، عاقبت این تکذیب آمده است: «ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكذِبُونَ * لَأَكْلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زُقُومٍ * فَمَا لُتُونَ مِنْهَا البُطُون * فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الحَمِيم * فَشَارِبُونَ شُرْبَ الأُهِيم * هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (واقعه / ۵۶ - ۵۱)؛ آنگاه شما ای گمراهان دروغ‌پرداز، قطعاً از درختی که از زقوم است خواهید خورد و از آن شکم‌هایتان را خواهید آکند و روی آن از آب جوش می‌نوشید. [مانند] نوشیدن اشتران تشنه. این است پذیرایی آنان در روز جزا».

مراد از افراد گمراه در آیه کسانی است که توحید خداوندی را رها کرده، رسولش را تکذیب و روز رستاخیز را انکار کردند که چنین سزایی در انتظار آن هاست (ر.ک: مراغی، بی‌تا: ۲۷ / ۱۴۳).

چهارم. پرداخت معنای یکسان با اسلوب‌های بیانی متفاوت

در بررسی و مطالعه آیات دو سوره مواردی را شاهد هستیم که خداوند یک واحد معنایی را در هر دو سوره با اسلوب‌ها و روش‌های متفاوت تبیین نموده است، به‌عنوان نمونه:

الف) توبیخ و تهدید تکذیب نعمت‌های خداوند

توبیخ و تهدید درباره تکذیب نعمت‌های خداوند در سوره الرحمن در ۳۱ مورد با تعبیر «فَيَأِيءَ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبان؛ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را منکرید؟» آمده است. این درحالی است که همین معنا در سوره واقعه با تعبیری دیگری و با ساختارهای استفهامی متفاوتی چنین آمده است: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ * أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الخَالِقُونَ (واقعه / ۵۹ - ۵۸)؛ آیا آنچه را [که به‌صورت نطفه] فرو می‌ریزید دیده‌اید؟ آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟» «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (واقعه / ۶۴ - ۶۳)؛ آیا آنچه را کشت می‌کنید، ملاحظه کرده‌اید؟ آیا شما آن را [بی‌یاری ما] زراعت می‌کنید، یا ما مییم که زراعت می‌کنیم؟» «أَفَرَأَيْتُمُ المَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ المِزْنِ أَمْ نَحْنُ المُنزِلُونَ» (واقعه / ۶۹ - ۶۸)؛ آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید؟ آیا شما آن را از [دل] ابر سپید فرود آورده‌اید، یا ما فرودآورنده‌ایم؟» «أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ المُنشِئُونَ (واقعه / ۷۲ - ۷۱)؛ آیا آن آتشی

را که برمی‌افزاید ملاحظه کرده‌اید؟ آیا شما [چوب] درخت آن را پدیدار کرده‌اید، یا ما پدیدآورنده‌ایم؟»
گویی الگوی درج ۳۱ بار عبارت تکرارشونده بدون تغییر «فَيَا أَيُّهَا آلاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبان» در سوره الرحمن، جای خود را به ترکیب «أَفَرَأَيْتُم...» داده و به نعمت‌های مختلف اشاره می‌شود.

ب) تأکید بر شیوه بیانی سه وجهی و دو وجهی

یکی از ویژگی‌های زبانی این دو سوره در بیان معانی، استفاده از روش بیان و آرایش کلام بر مبنای عدد است. در سوره الرحمن سبک بیان مبتنی بر ساختار ثنائی است و در سوره واقعه، از سبک بیانی ثلاثی استفاده شده است. این ویژگی نیز از مختصات این دو سوره نسبت به سایر سوره‌های قرآن است.

توضیح بیشتر آنکه در سوره الرحمن تأکید بر شیوه بیانی مبتنی بر تقسیم‌بندی و شیوه بیانی دو وجهی (دوگان) است. در سوره الرحمن همه چیز ثنائی است؛ از همان ابتدای سوره، همه موارد به صورت دوگانه ذکر شده‌اند: «شمس و قمر؛ نجم و شجر؛ سماء و میزان؛ فاکهه و نخل؛ حب و ریحان؛ انسان و جان؛ مشرقین و مغربین؛ لؤلؤ و مرجان؛ آسمان‌ها و زمین؛ نواصی و اقدام؛ یاقوت و مرجان». علاوه بر این موارد، برخی از واژگان به صیغه تشبیه آمده‌اند: «جنتان؛ بحرین؛ عینان؛ زوجان؛ ثقلان». اما آنچه بیش از همه، کاربرد دوگان و صیغه تشبیه را در این سوره نمایندگی می‌کند، ۳۱ باره آیه «فَيَا أَيُّهَا آلاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبان» است که هم ضمیر مخاطب مثنی (کما) در آن وجود دارد و هم فعل «تُكذِّبان».

اما در سوره واقعه، شیوه بیانی مبتنی بر تقسیم بندی سه وجهی (سه‌گان) است. در این سوره، همه چیز ثلاثی است: در این سوره انسان‌هایی که در قیامت هستند به سه دسته تقسیم می‌شوند (اصحاب الیمین، اصحاب الشمال و السابقون) در ادامه سوره، از آیه ۲۷ تا ۵۶ جایگاه این سه گروه بیان شده است. علاوه بر این آیات ۸۸ تا آخر سوره نیز به احوالات سه‌گانه انسان‌ها در زمان و حالت ترک این دنیا سخن می‌گوید. از طرف دیگر به بیان نعمت‌های این سه گروه اختصاص دارد، حتی بخش مربوط به حقیقت قرآن، نزول آن و واکنش مخاطبان به قرآن را نیز می‌توان در همین سه گروه جایابی نمود.

ج) شباهت در ترجیع بند اسمای الهی در اواسط و پایان سوره

یکی از شباهت‌های بیانی این دو سوره که می‌تواند به‌عنوان ویژگی این زوج سوره نیز شناخته شود، وجود ترجیع‌بند یا عبارتی تکرارشونده در میانه و پایان سوره است. ترجیع‌بند اسماء الهی در اواسط و پایان سوره الرحمن، تعبیر «ذو الجلال و الاکرام» است که یکبار در آیه ۲۷ به صورت «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلالِ وَالْاِكْرَامِ» آمده است و بار دیگر در آیه آخر سوره به صورت «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلالِ وَالْاِكْرَامِ» (الرحمن / ۷۸) ذکر شده است. ترجیع‌بند اسماء الهی در اواسط و پایان سوره واقعه نیز به کار رفته است: «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه / ۷۴ و ۹۶).

نتیجه

در این پژوهش که به صورت موردی بر سوره‌های «الرحمن» و «واقعه» انجام گرفت، تحلیل این دو سوره از زاویه نظائر آیات، موارد زیر را نشان می‌دهد: اشتراک در مفاهیم به‌ویژه درجات بهشت و جهنم، قدرت خداوند در پرتو مدل طبیعت و فرهنگ، بیان اجمالی معانی در یکی از دو سوره و تفصیل آن در دیگری، بهره‌گیری از سبک‌های بیانی متفاوت در طرح موضوعات مشترک. این شواهد گواهی بر این است که سوره‌های الرحمن و واقعه، زوج سوره هستند و در ارتباط وثیق معنایی با همدیگر قرار دارند. شواهد ارتباط بینامتنی سوره‌های الرحمن و واقعه بویژه در حوزه دلالت و معنا، نشانگر ظرفیت نظریه ارتباط زوج‌سوره‌ها و نقش آنها در فهم بهتر قرآن با فراهم آوری زمینه یافتن نظائر آیات است. اگر چه برای اثبات نظریه نظام زوجیت سوره‌ها لازم است ده‌ها پژوهش از این دست انجام گرفته و پس از بررسی و کنکاش دقیق به اثبات یا رد این نظریه راه برد، اما این پژوهش می‌تواند آغازگر و نقطه عزیمتی برای مقصدی دیگر و پرسش‌هایی تازه‌تر و متفاوت‌تر باشد؛ در این زمینه لازم است روش‌ها و نشانه‌های کاربردی بیشتری ارائه شود.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- اصلاحی، امین احسن، ۱۴۱۷ ق، مبادی تدبر قرآن، پاکستان، لاهور، فاران، چ ۸.
- اصلاحی، امین احسن، ۱۴۳۰ ق، تدبر قرآن، پاکستان، لاهور، فاران.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر، ۱۴۱۵ ق، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- زرکشی، بدرالدین محمد، بی تا، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، تناسب الدرر فی تناسب السور، دمشق، دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۶ ق، اسرار ترتیب القرآن، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱ ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۲.
 - سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۶ ق، *مراصد المطلاع فی تناسب المقاطع والمطالع*، ریاض، دار المنهاج.
 - صفوی، کوروش، ۱۳۸۳، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران، سوره مهر، چ ۲.
 - طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۷.
 - طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
 - غرناطی، ابوجعفر، ۱۴۱۰ ق، *البرهان فی ترتیب سور القرآن*، مغرب، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
 - فراهی، عبدالحمید، ۲۰۰۸ م، *نظام القرآن و تأویل الفرقان بالفرقان*، هند، بی‌نا.
 - لسانی فشارکی، محمدعلی و حسن مرادی زنجانی، ۱۳۹۴، *سوره‌شناسی، روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم*، قم، نصایح.
 - مراغی، احمد بن مصطفی، بی‌تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 - مستنصر میر، ۱۹۸۳ م، *انسجام و پیوستگی در قرآن؛ مطالعه مفهوم نظم در تدبر در قرآن اثر اصلاحی*، میشیگان.
 - مصلائی پور، عباس، ۱۳۸۹، *چگونگی یافتن نظائر آیات در روش تفسیر قرآن به قرآن؛ در مجموعه گفتارهایی در باب قرآن، فقه، فلسفه، به کوشش مهدی ایزدی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)*.
 - معرفت، محمدهادی، ۱۳۹۴، *علوم قرآن*، قم، التمهید.
 - مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 - میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عمدة الأبرار*، تهران، امیر کبیر، چ ۵.
- (ب) مقاله‌ها
- آقایی، سید علی، ۱۳۸۶، «انسجام در قرآن؛ پژوهشی درباره رهیافت اصلاحی در تفسیر قرآن» *خردنامه همشهری*، ش ۲۳، ص ۸۱ - ۸۰، تهران، مؤسسه همشهری.
 - آقایی، سید علی، ۱۳۸۸، «جستار: انسجام قرآن از نظریه تا عمل، مقایسه روش تفسیری فراهی - اصلاحی»، *کتاب ماه دین*، ش ۱۴۴، ص ۷۹ - ۷۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - حری، ابوالفضل، ۱۳۹۰، «درباره کتاب انسجام در قرآن: مطالعه مفهوم نظم در تدبر در قرآن اثر اصلاحی نگاشته مستنصر میر»، *مجله کتاب ماه دین*، ش ۱۶۳، ص ۵۹ - ۵۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- زارع زردینی، احمد و اسما بهارستانی، ۱۳۹۷، «بررسی زوجیت سوره‌های حدید و مجادله»، *عیون*، شماره ۸، ص ۲۱۷-۱۸۳، میبد، دانشکده علوم قرآنی میبد.
- زارع زردینی، احمد و میثم خلیلی، ۱۳۹۷، «زوجیت سوره‌های مزمل و مدثر: کاربست نظریه زوج سوره‌ها در فهم سوره‌های مزمل و مدثر»، *مشکات*، ش ۱۴۱، ص ۸۵-۶۱، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- زارع زردینی، احمد، حمید حمیدیان و مریم طاووسی، ۱۳۹۸، «روابط بینامتنی در زوج سوره فتح و حجرات پیوندهای متنی زوج سوره فتح و حجرات»، *آموزه‌های قرآنی*، ش ۳۰، ص ۱۰۷-۸۱، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قانع، علی، ۱۳۸۶، «تناسب آیات»، *مجله معرفت*، ش ۱۲۲، ص ۹۸-۷۹، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- قرائی سلطان آبادی، احمد، ۱۳۹۴، «فهم قرآن در پرتو نظم شبکه‌ای یا فراخطی آن»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ش ۷، ص ۶۰-۴۱، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- کیان‌نژاد، تقی، ۱۳۸۲، «امین احسن اصلاحی و تفسیر تدبر قرآن»، *کتاب ماه دین*، ش ۴۱ و ۷۰، ص ۸۳-۸۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محققیان، زهرا، ۱۳۹۳، «نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون متنی و بینامتنی»، *قرآن شناخت*، ش ۱۳، ص ۳۶-۲۷، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- میرحسینی، یحیی و روح‌الله داوری، ۱۳۹۸، «پیوستگی‌های خطی و شبکه‌ای آیات و سور با مروری بر خاستگاه‌های آن»، *علوم قرآن و حدیث*، ش ۱۰۲، ص ۲۴۸-۲۲۵، مشهد، دانشگاه فردوسی.

ج) پایان‌نامه‌ها

- افتخار احمد، ۱۹۹۶ م، *الشیخ أمین أحسن الإصلاحي و منهجه فی تفسیره تدبر قرآن*، رساله دکتری، پنجاب.
- تفتچی، جنت، ۱۳۹۵، *بررسی سبک تفسیری نظام القرآن اثر عبدالحمید فراهی*، راهنمایی سید محمود میرزایی الحسینی و مشاوره علی نظری، رساله دکتری، دانشگاه لرستان، دانشکده زبان‌های خارجی.
- مستنصر میر، ۱۹۸۶، *انسجام در قرآن*، رساله دکتری، دانشگاه میشیگان آمریکا.

د) منابع الکترونیکی

- <https://www.cgie.org.ir>